

آینة ویژه برنامه‌ای پُر از توهمین و تحقیر

یک خبرگزاری اصولگرا با انتشار ویژه‌نامهای جهت‌دار و پر از گوشه و کنایه به تحقیر و توهمین به مقامات دولتی از جمله محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، معصومه ابتکار، رییس سازمان محیط‌زیست و نیز اکبر ترکان معاون رییس‌جمهوری پرداخت. در این ویژه‌نامه ظریف بر ویلچر نشان داده شده که مقابل کاترین اشتون، مذاکره‌کننده ارشد گروه ۵+۱ قرار گرفته و از آن سو هم با استناد به یکی از اظهارات ترکان درباره ناتوانی رقابت کالاهای ایرانی با نمونه‌های خارجی، چندین تصویر اهانت‌آمیز از این مقام دولتی منتشر شده است. همچنین برخی مطالب حاوی کنایه و تمسخر هم دربارۀ اینکه آلودگی هوای تهران بهبود پیدا نکرده است منتشر شده… گروهی به دلایل خاصی سعی می‌کنند در قالب تمسخر و طنز از پاسخگویی درباره عملکرد گذشته‌شان فرار کنند. ظاهراً آنان فراموش کرده‌اند سال‌های قبل در همین ایام به‌عمل آلودگی بسیار شدید، مدارس بارها و بارها تعطیل شده بودند و گاهی اوقات کار به تعطیلی رسمی هم کشیده می‌شد.

جمهوری اسلامی

یادداشت: «دولت و نیروهای مستقل»

دولت یازدهم از آغاز فعالیت خود، به نمایندگان مجلس شورای اسلامی بیش از اندازه‌ای که قانون مشخص کرده بها داد و برای آنها این حق را قابل شد که درباره انتخاب استانداران، فرمانداران و بخشداران نظر بدهند. این اقدام نادرست موجب شد دولت یازدهم در بسیاری موارد از داشتن استانداران توانا محروم شود، در مورد تعویض یا ابقاء فرمانداران دچار مشکلات زیادی گردد و در مورد بخشداران تقریباً غیرفعال باشد. بخشی از عوارض این وضعیت اینست که دولت در انتخابات آینده مجلس از کارگزاران قابل اعتماد در بسیاری از مناطق محروم خواهد بود و معلوم نیست سرنوشت انتخابات چگونه رقم خواهد خورد… می‌توان گفت وزارت کشور دولت یازدهم در اختیار نمایندگان مخالف دولت است… توقعات غیرقانونی نمایندگان مخالف حتی به سایر وزارتخانه‌ها نیز سرایت کرده. وزرای دولت یازدهم نیز، غیراز چندنفر، افراد قدرتمندی که زیر بار فشار نروند نیستند و همین واقعیت تلخ، زمینه را برای سوءاستفاده متوقعان فراهم کرد… بی‌تعارف باید گفت نمایندگان مخالف دولت، درصدد هستند وزارت علوم را به دلیل اهمیتی که دارد در اختیار خود درآورند.

«نه» دانش به درخواست نمایندگان

سختگوی فراکسیون رهروان (وابسته به علی لاریجانی) به «نسیم» گفته است: «آشتیانی ضمن مخالفت با درخواست نمایندگان درخصوص تبری از فتنه گفت با این کار از مجلس رای می‌آورم ولی بعدا شرمندۀ دوستانم خواهم بود»

۶۲درصدسهم کشاورزی در تولید گازهای گلخانه‌ای

جالب توجه است که در سال۲۰۱۱،کل انتشار سالانه گازهای آلاینده‌های فعالیت‌های بخش کشاورزی پنج هزارو۳۳۵تن معادل دی‌اکسیدکربن بوده که به بالاترین سطح خود طی دوره۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ رسیده و تقریباً ۹۰درصد بیشتر از میانگین ۱۰ساله ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۱ می باشد.

محاسبات دیگر نشان می دهد طی دوره۲۰۰۱ تا۲۰۱۱، انتشار سالانه گازهای آلاینده‌های کشاورزی از رقم چهارهزارو۴۸۶تن در سال۲۰۰۱ به رقم پنج هزارو۳۳۵تن معادل دی‌اکسیدکربن در سال۲۰۱۱ رسیده که در حدود ۱۰درصد رشد سالانه داشته است. با مقایسه ارقام رشد دودهده مشاهده می شود در دهه۲۰۱۱تا ۲۰۱۰ حدود شش‌درصد رشد بیشتر نسبت به دهه۲۰۱۰تا۲۰۰۱ است. ارقام نشان می دهد این رشد تقریباً در کشورهای غیرمتعهد پیمان کیوتو اتفاق افتاده است. این در حالی است که در کشورهای متعهد (ضمیمه I) طی همین دوره حدود سه‌درصد کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای مشاهده می شود. طی دوره۲۰۱۱تا۲۰۱۰ رشد منفی ۲۰درصدی انتشار گازهای گلخانه‌ای بخش کشاورزی در کشورهای متعهد رخ داده و این رقم برای کشورهای غیرمتعهد در حدود ۳۷درصد افزایش داشته است. طی دوره۲۰۱۰تا ۲۰۰۹ برحسب نوع فعالیت اطلاعات نشان می دهد انتشار گازهای گلخانه‌ای از طریق فعالیت‌های کشاورزی از رقم میانگین چهارهزارو۱۶۳تن معادل دی‌اکسیدکربن طی دهه۱۹۹۰ به رقم چهارهزارو۴۹۸تن در دهه۲۰۰۰ بالغ شده است. در مقابل کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای در فعالیت‌های جنگل‌داری و سایر کاربری اراضی دیده می شود به‌طوری‌که از رقم میانگین پنج هزارو۹۱۹تن معادل دی‌اکسیدکربن در دهه۱۹۹۰ به میانگین چهارهزارو۸۷۹تن در دهه۲۰۰۰ بالغ شده که در حدود۱۰درصد کاهش نشان می دهد. طی دوره۱۹۹۰تا۲۰۱۰ سهم فعالیت‌های کشاورزی از کل انتشار گازهای گلخانه‌ای مجموع فعالیت‌های بخش کشاورزی در حدود ۶۲درصد است.

سیاست

توصیه موسوی لاری پیرامون طرح «امربه‌معروف» در گفت وگوبا «شرق»:

موازی سازی نکنیم: نهاد‌های مسوول را فعال کنیم

مرجان توحیدی



آیت‌الله محمدتقی جعفری

طرح حمایت امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر در حالی در مجلس‌شورای اسلامی، مراحل تصویب را پشت‌سر می‌گذراند که به اعتقاد کارشناسان، برخی مواد آن آشکارا با برخی مواد قانون‌اساسی تناقض دارد.
رییس قوه‌قضاییه از جمله منتقدان این طرح و معتقد است تعریف «معروف» و «منکر» در قانون نباید مجمل انتخاب شود. آیت‌الله آملی‌لاریجانی همچنین گفته ستاد پیش‌بینی‌شده در طرح، به نوعی اصل تفکیک قوا را مخدوش می‌کند. عبدالواحد موسوی‌لاری، وزیر‌کشور دولت اصلاحات نیز که در مقطعی رییس «شورای امنیت ملی کشور» بوده و وظیفه حفظ امنیت کشور را برعهده داشته، از تصویب این طرح اظهار نگرانی می‌کند. به اعتقاد موسوی‌لاری، وقتی در کشوری اسلامی زندگی می‌کنیم پس قوانین موضوعه هم برگرفته از شرع است و بنابراین، نیازی به طرح جدیدی نیست و بهتر است همت بر اجرای درست قوانین موضوعه گذاشته شود. او می‌گوید برخی موارد این طرح از جمله ستاد امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، تنها موازی‌کاری با دستگاه‌هایی است که وظایف مشابه را برعهده دارند؛ با این تفاوت که در عین داشتن اختیارات، به جایی هم پاسخگو نیستند.

✎ یعنی باید امربه‌معروف و ناهی‌ازمنکر یک اطلاعات فقهی هم داشته باشد یا نداشته باشد؟

خبر، یک وقت مستندات شما، قوانین موضوعه کشور است که خب همه چیز خیلی روشن است، یعنی اینکه در قانون عمل مجرمانه و غیرمجرمانه مشخص شده است. ولی وقتی شما می‌گویید در شرع – شرع یعنی نظرات متفاوت اجتهادی فقه‌ا – آمران‌به‌معروف و ناهیان‌ازمنکر هم مقلدان مراجع مختلف هستند. خب، یکی می‌گوید این کار حرام است و یکی می‌گوید حرام نیست. امربه‌معروف باید تصور اینکه آقا یا خانم دارد یک کار حرامی مرتکب می‌شود، می‌خواهد امربه‌معروف کند. آن آقا یا خانم هم دارد می‌گوید خب، آن آقا اشتباه فکر می‌کند، مرجع تقلید من این کار را حرام نمی‌داند. بنابراین اینن موضوع محل اختلاف می‌شود. پس همین بنداوال ماده‌یک که گفته است در شرع مقدس یا قوانین، باید فقط لفظ در قوانین مورد‌توجه قرار بگیرد چرا که ما موظف نیستیم که به فتاوای رایج در رساله‌های مختلف توجه کنیم. ما آن چیزی را که قانون گفته به آن عمل می‌کنیم، ضمن اینکه تمام نظرات فقهی مجتهدان برای ما محترم است و تمام مراجع تقلید برای ما عزیز و بزرگوار هستند، اما آنچه ما را به رعایت باید‌ها و نباید‌ها مکلف کرده است، قوانینی است که امروز در کشور به عنوان یک کشور اسلامی رایج است. بنابراین اینجا یک اختلافی به وجود آمده که باید شفاف بشود.

دوم در این قانون به «عرف منتشرعه» اشاره شده است. همین بحث «عرف منتشرعه» دامنه اختلافات را بیشتر می‌کند. عرف منتشرعه یعنی اینکه در روستا یک چیزی منکر هست که در شهر منکر نیست. در شهرهای قدیمی سنتی، یک موضوعی منکر است که در شهرهای بزرگ و کلانشهرها منکر نیست. چه کسی تشخیص می‌دهد عرف متشرعه‌ای که باید به آن عمل کنیم کدامش درست است یا کدامش درست نیست؟ اگر بخواهیم مبنای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را عرف منتشرعه قرار بدیم، این یعنی هرج‌ومرج، یعنی سلیقه‌ای عمل‌کردن، یعنی بنده می‌گویم که متشرعه این فعل را حرام می‌داند و شما می‌گویي نخیر، چنین چیزی نیست.

متأسفانه در این طرح، در تعریف معروف و منکر با مشکل مواجه هستیم. اگر قانونگذار فقط مبنا را قانون موضوعه کشور قرار دهد، این یک قدم رو به جلو محسوب می‌شود؛ چرا که در چنین وضعی، بالاخره منکر آن است که در قانون منکر شناخته شده باشد و معروف هم آن است که در قانون معروف شناخته شده باشد. ما در فقه بحث احکام پنج‌گانه را داریم. یکی از همین احکام ایاحه است. یک کاری را در شرع باب می‌دانیم، مثلاً سوال شود که آب خنک بخورم یا آب گرم بخورم و در جواب گفته شود که مباح است و هرج‌ور دلت می‌خواهد رفتار کن.

از دیگر احکام، احکام مستحبی است، اعمالی که واجب نیست و مستحب است، مثلاً فرض کنيد در شرع پوشیدن لباس مشکي مكره است ولی حرام نیست. همچنین یک‌سری کارها هم هست که حرام است، مثل تصرف غیرمجاز در اموال افراد، دخالت در زندگی خصوصی افراد، توهمین و اهانت به افراد، اِذاء مومن به هرچیزی که عامل اذیت او بشود. در اینجا یک مثال می‌زنم؛ اگر کسی تحت‌عنوان امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، فردی را که عجله داشته و می‌خواهد به کلاسش برسد و دیر هم شده، ماشین آن فرد را برای امربه‌معروف یا نهی‌ازمنکر متوقف کند و فرد را از کارش باز بدارد، این ایذاء مومن به شمار می‌رود و حرام جدی می‌شويم.

بوده و مرتکب یک گناه شده است. یا مثلاً ممکن است یک امر مستحب باشد و بنده نخواهم رعایت کنم. خب، چه کسی می‌تواند به من بگوید که حتماً باید رعایت بکنی؟ ولی یک امر مگره‌وی باشد، مثلاً من دلم می‌خواهد لباسم اینطور باشد، دلم می‌خواهد رفت‌وآمدم طور مشخصی باشد. کسی نمی‌تواند من را مکلف کند که حتماً آنطور که امربه‌معروف می‌پسندد، رفتار کنم.

پس در اصل تعریف، در همین چیزی که نمایندگان در ماده‌یک آوردند، واقعاً با مشکل روبرو هستیم؛ یعنی از همین‌جا یک نوع هرج‌ومرج درست می‌شود. **✎ یک بحثی را هم همین‌جا آیت‌الله‌لاریجانی، رییس قوه‌قضاییه به آن اشاره کردند و گفتند در تبیین مواردی که باید امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر انجام بگیرد، نباید واژه‌ها مجمل باشد.**

بله همین است. یکی از مصادیقی که گفته شده، حفظ بیت‌المال و اموال عمومی است. مثال می‌زنم، به‌عنوان نمونه مثلاً لامپ در اتاق یک اداره روشن باشد یا خاموش باشد. یک آقابلی می‌آید می‌گوید آقای فلائی چرا این چراغ‌ها را اتقدر روشن کردی؟ چراغ را خاموش کنید برای حفظ بیت‌المال. او هم می‌گوید آقا، بنده در اتاق می‌خواهم بنشینم و مطالعه کنم، نیاز به روشنایی دارم. تشخیص اینن مسأله کار خیلی ساده‌ای نیست.

حالا تصور کنید وقتی این بحث را مطرح می‌کنیم، به افراد عادی یا کارمندان جزء اختیار می‌دهیم که به مدیرانشان نسبت به اینکه‌ها مسائل تذکر داده و وارد مناقشه بشوند. بعد هم در همین قانون برای کسی که امربه‌معروف می‌کند و با برخورد یا توهمین شده، دستگاه‌هایی را به‌عنوان معاضد قضایی فرض کرده‌اند که اینها می‌توانند از آن فرد مدیر یا همکار شکایت کنند. در چنین وضعیتی ببینید چه اختلاف‌هایی بین کارمندان جزء و مدیرانشان در درون دستگاه‌ها شکل می‌گیرد. یکی می‌گوید من امربه‌معروف کردم، یکی می‌گوید شما کارمند من هستی و هرچیزی که می‌گویم باید عمل کنی. در چنین شرایطی نوعی پیچیدگی را در این قانون به رسمیت می‌شناسیم؛ یعنی کاری می‌کنیم که انضباط اجتماعی زیر سوال برود و مخدوش شود. در مورد همین موضوع حفظ بیت‌المال، خب ما قوانین موضوعه زیادی برای حفظ بیت‌المال داریم، دیوان محاسبات کشور وجود دارد، بازرس کل داریم، دیوان محاسبات کشور وجود بنده که مدیر هستم، ذی‌حساب هست، مسوول امور مالی هست، دیوان محاسبات هست، تفریع بودجه هست که همه اینها به نهادهای قانونی گزارش می‌دهند.

✎ یک بحث دیگر هم هست و آن اینکه در این قانون مثلاً ادارات، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و راه‌پله‌ها دیگر حرم محسوب می‌شوند و افراد معمولی می‌توانند بیایند و تذکر بدهند.

با این وضعیت یک فرد حق دارد وارد آپارتمان شود و سر پله بایستد و بگوید خانم! روسری‌ات را درست کن! آقا! مثلاً شما آستین‌کوتاه نیا داخل راهرو. بعد ببینید در یک مجتمع ۲۰۰واحدی، اگر دو نفر باشند که احساس تکلیف شرعی برای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر کنند و بخواهند همه ساکنان آن آپارتمان را امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟ یعنی شما ببینید چه تزاخم و چه اصطکاکي بین مردم به‌وجود می‌آید. حالا این کسی هم که امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر می‌کند، قاعدتاً یک آدمی است که می‌خواهد به قواعد شرع پیوندد باشد، اما همان تفاوت سلیقه‌ها که در حکم مراجع باعث می‌شود که نوعی

اختلاف سلیقه و اختلاف برداشت ایجاد شود؛ چراکه همه افراد یک جامعه یک‌جور زندگی و فکر نمی‌کنند و مسایلشان مشترک نیست.

وقتی مجلس برای کسانی که از نظر آنها امربه‌معروف و ناهی‌ازمنکر هستند و تعریفی هم که آنگونه که شایسته است، ارایه نمی‌کنند، یک حريم امنی فرض می‌کند و فرصتی فراهم می‌شود برای افرادی فرصت‌طلب. من حالا فرضم این است که همه ام‌رین‌به‌معروف آدم‌های خوب و سالمی هستند که ممکن است سلايق متفاوت داشته باشند. البته خود این مسأله مشکل درست می‌کند؛ ممکن است چنین قانونی باعث شود عده‌ای فرصت‌طلب و مشکل‌ساز، به بهانه امربه‌معروف بخواهند مزاحم مردم شوند و مزاحمت ایجاد کنند که مثلاً چرا لباس را این‌طوری پوشیدی، بوق ماشینت چرا ممتد است و این قبیل مسائل که تبدیل می‌شود به انواع بهانه‌ها برای مزاحمت‌های اینچنینی. آن هم در شرایطی که قانون‌گذار، عرف منتشرعه را ملاک قرار داده است. در چنین شرایطی می‌بینیم که به بهانه امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر چه وضعیتی درست می‌شود.

✎ بحث دیگر، ضابطان قضایی در این قانون است، چون شما خوندان در وزارت کشور بودید، اصلاً بفرمایید تعریف این ضابطان چیست و چه کسانی ضابط تلقی می‌شوند و بعد ببینیم این قانون چقدر به این تعریف اضافه کرده است.

ما یک‌سری قوانین خاص داریم با ضابطان خاص. مثلاً سلازما جنگل‌ها و مراتع که قانون حفظ جنگل‌ها و حیات‌وحش برای آن وضع شده است. برای این سازمان و قانونش، یک ضابطی تحت‌عنوان جنگلیان تعریف شده که ضابط قضایی است برای حفظ و نگهداری جنگل‌ها. این افراد، ضابط خاص هستند. از طرفی یک‌سری ضابطین عام هم داریم، مثل نیروی انتظامی، نیروی نظامی و پلیس، ضابط دستگاه‌قضایی است، یعنی دستگاه قضایی وقتی که یک امری را جرم تشخیص می‌دهد یا فردی در مظان مجرمیت قرار می‌گیرد برای تعقیب و پیگیری جرم به وقوع پیوسته ضابطیني که در اختیار قوه‌قضاییه هستند، از نیروی انتظامی و پلیس انتخاب می‌شوند. نیروی انتظامی که سازمان متعهدی است که از آن طرف به این اختیار می‌دهیم که به عنوان ضابط عمل کند و از طرف دیگر هم برای تمام افعال و سکاتش پاسخگوست و سلسله‌مراتب دارد و براساس سلسله‌مراتب عمل می‌کنند.

✎ اگر مثلاً تخلفی هم انجام بدهند…

تخلف، خیر. بالاخره قانون وجود دارد. قانون مشخص کرده که پلیس تا کجاها می‌تواند جلو برود، چه زمانی می‌تواند از اسلحه استفاده کند، چگونه می‌تواند با مجرم برخورد کند، نحوه برخورد با مجرم یا متهم چگونه باید باشد. اما سایرین این موارد را رعایت نکنند، من آن زمان هم که بحث شده بود برای ضابطین گفتند ما باید یک ضابط داشته باشیم که جوابگو باشد و اختیار هم داشته باشد. حالا اگر دستگاه‌های دیگری هم بخواهند در اینجا قرار بگیرند، در عرض آن نباید قرار بگیرند، در طول آن باید قرار بگیرند.

خب! در شرایط فعلی اگر قانونگذار گفته است رده‌هایی از بسجج با مشخصاتی و در یک موضوعات خاص می‌توانند ضابط باشند، یعنی اختیاری را به قوه‌قضاییه داده‌اند که از آن طریق بتواند اعمال مسوولیت کند، ما بحثی روی آن نداریم، ولی اینکه ما عامه مردم را به‌عنوان امربه‌معروف و ناهی‌ازمنکر تلقی بکنیم، بخش‌هایی از سازمان‌ها و نهاده‌ا را بدون اینکه بتوانند انجام وظیفه ضابط دستگاه قضایی‌بودن داشته باشند به‌عنوان ضابط معرفی کنیم، دوباره همان تداخل وظایف باعث می‌شود که کار زمین بماند، یعنی اصل امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر باعث شود که منکرها شیوع بیشتری پیدا بکند و معروف‌ها هم زمین بمانند، چون یکی می‌گوید فلان نهاد یا فرد اقدام کرده و دیگری می‌گوید که نکرده است؛ بنابراین بین این دو نهاد و بین این دو فرد کار زمین می‌ماند و مشکل ایجاد می‌شود. به همین دلیل اگر هم نباست ضابطی برای اجرای قوانین و حتی همین عنوان کلی امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر باشد، باید ضابطان رسمی و قانونی باشند و دستگاه‌های مختلف یا افراد مختلف را به عنوان ضابط معرفی کنیم و این موضوع را تعمیم بدیم.

✎ اما در همین قانون که تازگی تصویب شد که امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر جزو وظایف بسجج باشد. البته تأکید هم کردند که به صورت لسانی و نه عملی. درباره امر به معروف و نهی از منکر لسانی هم من بحث دارم. همان مثال قبل را تکرار می‌کنم. فردی کلاس درسش شروع شده و عجله دارد و فرد دیگری به عنوان امربه‌معروف جلوی او را می‌گیرد و معطل می‌کند. یا مثلاً فردی فرزندش بیمار است و می‌خواهد او را به بیمارستان برساند. امربه‌معروف که نمی‌داند مشکل چیست. بعد در چنین شرایطی می‌بیند که لباس شما از نظر او مناسب نیست و می‌خواهد امربه‌معروف کند، به دلیل اینکه ماشین جزو حريم خصوصی تلقی نمی‌شود و فرد امر می‌خواهد جلوی راننده را بگیرد، همین موضوع به دعوا منتج شده، درگیری می‌شود و مشکل درست می‌شود. حالا در چنین شرایطی قانون‌گذار مصونیت هم برای کسانی که امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر می‌کنند قابل شده و یکسری اختیارات و امتیازات به آنها داده و گفته است که نهاده‌هایی هستند که از آمان و ناهیان حمایت کنند.

ادامه در صفحه ۱۴

ادامه از صفحه اول

راه‌حل معمای عبورازالبرز

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی رییس‌جمهور وقت بالاخره کلنگ ایجاد این اتوبان را به زمین زد تا دولت‌های بعدی مجبور به ادامه اجرای آن شوند. ولی متأسفانه پیشرفت ۱۵درصدی پروژه بعد از حدود ۱۸سال، یعنی کمتر از یک‌درصد پیشرفت در سال، نشان از عدم‌اهتمام ویژه دولتمردان به این مهم دارد. آنطور که پیش‌بینی می‌شود و از طرح‌های ارایه‌شده برمی‌آید در این دولت و دولت‌های بعدی نیز به این زودی‌ها شاهد راه‌اندازی این پروژه نخواهیم بود؛ زیرا با این وضع باید حدود ۸۰سال دیگر منتظر بود که معادل روی‌کارآمدن ۱۹دولت‌خواهد بود و البته این موضوع نیز به شرطی است که تکلیف فازسه آن از محل تونل البرز واقع در محدوده کندوان تا پایین هزارچم مشخص شود.

این مهم بدون احداث تونل آن هم از نوع تونل‌های عمیق و طویل با توجه به وضعیت توپوگرافی منطقه در طول مسیر مذکور نیست؛ بنابراین برای آزادراه تهران–شمال از مسوولان مربوطه می‌خواهیم که ایده مذکور را برای این محدوده از مسیر بررسی کنند و با احداث تونلی به طول حدود ۲۰کیلومتر که باعث کوتاه‌ترشدن مسیر نیز می‌شود، ساخت آزادراه را تسریع کنند. احداث این تونل نیز با استفاده از دو چهارچاردستگاه اتوماتیک حفار تونل (TBM) از دوطرف و طرف مدت چهارسال امکان‌پذیر خواهد بود. شایان ذکر است طولانی‌ترین تونل جاده‌ای با نام گوتارد به طول ۲۶کیلومتر هم‌اکنون در جنوب سوئیس در حال بهره‌برداری است.

اما راه‌حل پایدار را توجه به وسعت کشور، فاصله شهرها و تمرکز جمعیت در کوهپایه‌ها و ارتفاعات سلسله جبال البرز و زاگرس، استفاده از خطوط ریلی آن هم از نوع پرسرعت، با استفاده از تونل‌های طویل و عمیق است. قطر تونل‌های ریلی حداکثر هشت‌متر و ساخته آنها نیز از تونل‌های ماشین‌رو با قطر دهانه ۱۴متر به مراتب آسان‌تر است.

با توجه به حجم انبوه مسافران و بار که در ماه‌های مختلف سال در مسیر تهران–شمال در حال تردد هستند، ایجاد و توسعه شبکه حمل‌ونقل ریلی به‌طور واضحی خودنمایی می‌کند. در این راستا توجه به راه ارتباطی مناسب و البته پاسخگو به حجم ترافیک مسافران، ایجاد مسیر ریلی جدیدی را به‌منظور دسترسی به استان‌های شمالی کشور و تسهیل این ارتباط بزرگ‌تر از همیشه می‌کند. این خط ریلی اقتصاد دوسوی البرز را به هم پیوند می‌زند و این اجازه را خواهد داد که با سرعت ۲۲۰کیلومتر در ساعت در حداکثر ۲۵دقیقه از البرز عبور کرد؛ به این معنی که فاصله ۴۵/۵ساعته در زمان غیرشلوغ و هفت‌ساعته در زمان‌های شلوغ به نیم‌ساعت تقلیل پیدا خواهد کرد و بنابراین صرفه‌جویی کلانی در مصرف سوخت و همچنین وقت مردم را به ارمان خواهد آورد و بخش مهمی از دغدغه جناب آقای هاشمی‌مطب، نیز در مقصد، با توسعه ریل کناره برطرف خواهد شد. همچنین این امکان وجود خواهد داشت که مردم در مقصد خودرو گرایه کنند یا اینکه با خودرو شخصی وارد قطار شده و در مقصد با وسیله نقلیه شخصی پیاده شوند. سیاسيوس و برنامه‌ریزان باید به اندازه‌ای هوشمند باشند که چنین پروژه‌ای را به سرعت سرچرخ تصویب کرده و چراغ‌سبز مطالعه و اجرای آن را به مجریان، مشاوران و پیمانکاران نشان دهند. از سال۱۳۸۶ که طرح جامع ریلی تهران در شورای شهر به تصویب رسید؛ دست‌اندرکاران وقت مترویی تهران به این حقیقت پی برند که جمعیت تهران و شهرهای اطراف آن در سال۱۴۰۹ به حدود ۲۰میلیون‌نفر خواهد رسید به این معنی که با احتساب پنج‌میلیون‌نفر جمعیت مازندران تا آن سال، ۲۵درصد جمعیت کشور در سه‌استان تهران، البرز و مازندران سکونت خواهند داشت. با وجود شهرهای اقماری کرج، اسلامشهر، ورامین، پاکدشت، پردیس، پردن و… نیاز به فرصت جدید و شهرهای اقماری جدید وجود دارد که باتوجه به پتانسیل مازندران، امکان ایجاد چنین فرصت و تقتش‌گاه جدید فقط می‌تواند در آن طرف کوه‌های البرز ایجاد شود و قبل از هرچیز باید دسترسی آسان و سریع به آن از طریق ریل پرسرعت، ایمن و غیرآلاینده مسیر شود که درغیراین‌صورت جنگل‌های شمال آسیب دیده و از بین می‌روند. مسلماً در ابتدا باید مطالعات فاز صفر که در عرف بین‌الملل به آن اوان پروژه Avant Project می‌گویند به دقت انجام شود تا پروژه در مدت زمان کوتاه و با حداقل هزینه به اجرا درآید. مسلماً پروژه‌ای در اجرا موفق خواهد بود که اوان پروژه مدیریت‌شده‌ای داشته باشد. اوان پروژه‌ای خواهد بود که در نهایت امکان‌پذیری ایجاد آن را بررسی می‌کند. همچنین اثر پروژه را در محیط اطرافش از نظر مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در آن غوطه‌ور خواهد شد به مجریان آن نشان می‌دهد و مصوبات لازم از طرف‌های درگیر از جمله شهرداری‌ها، وزارتخانه‌ها، دولت و مجلس را اخذ می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۳